

تورم و فشار بی‌امان بر مستمري بگيران

مشاور عالی مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی هشدار می‌دهد افزایش حقوق سالانه بازنشستگان در برابر رشد لحظه‌ای قیمت‌ها اثرگذار نیست و قدرت خرید آنان به شدت کاهش یافته است



عکس ترکیبی است

در حالی که صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای و بازنشستگی، هر سال با هدف صیانت از معیشت خانوار بازنشستگان، افزایش حقوق مستمري را در دستور کار دارند، شتاب تورم، بی‌رحمانه دستاورد این تصمیمات را می‌بلعد. مستمري بگيران، حتی در نخستین ماه‌های سال، درمی‌یابند که افزایش حقوق آنان توان همپایی با قیمت‌های لحظه‌ای کالا و خدمات را ندارد و دریافتی‌شان در برابر موج تورم تاب نمی‌آورد. آنچه در ظاهر ترمیم درآمد است، در واقع تلاشی است که اثرش پیش از لمس شدن از میان می‌رود. نتیجه، کاهش پی‌درپی قدرت خرید و فرسایش تدریجی توان معیشتی است؛ وضعیتی که بازنشستگان و خانواده‌هایشان را از بسیاری از نیازهای اولیه، رفاهی، آموزشی و حتی تفریحی باز می‌دارد. این همان میدان نابرابری است که در آن، حقوق مستمري تاب‌قايت با تورم را از دست داده و زندگی بازنشستگان را به نبردی فرساینده برای حفظ کرامت اقتصادی بدل کرده است.

فرسایش معیشت در سایه تورم

تورم، در هیئت یک مالیات پنهان و بی‌رحم، بیشترین فشار را بر دوش کسانی می‌گذارد که کمترین ابزار دفاعی را در برابر آن دارند؛ کارگران مزدبگیر و بازنشستگان با درآمد ثابت. این گروه که ستون‌های اصلی نیروی کار و حافظان چرخه تولید در دهه‌های گذشته‌اند، اکنون در برابر تورمی ایستاده‌اند که نه تنها قدرت خرید آنان را می‌بلعد، بلکه آرامش و امنیت اقتصادی‌شان را نیز فرسوده می‌سازد. بازنشسته‌ای که حقوق ماهانه‌اش تنها یک‌بار در سال و معمولاً کمتر از نرخ تورم افزایش می‌یابد، به‌ناچار در برابر موج گرانی کالا و خدمات، پس‌نشین تدریجی را تجربه می‌کند. در چنین شرایطی، بسیاری از بازنشستگان برای جبران کاهش قدرت خرید خود به پس‌اندازهای سال‌های اشتغال روی می‌آورند، اما تورم افسارگسیخته ارزش واقعی این اندوخته‌ها را نیز از میان می‌برد. هزینه‌های درمانی، دارو و مراقبت‌های پزشکی که با افزایش سن

شدت می‌یابند، سهم فزاینده‌ای از درآمد آنان را می‌بلعد. این در حالی است که تورم بخش سلامت، معمولاً از میانگین تورم عمومی کشور فراتر می‌رود و بر شدت فشار معیشتی می‌افزاید. نتیجه روشن است: فرسایش تدریجی سرمایه زندگی و سبب معیشتی قشری که پس از سال‌ها کار، اکنون باید از امنیت اقتصادی بهره‌مند باشد.

در میان همه صندوق‌های بازنشستگی کشور، سازمان تأمین اجتماعی با گستره‌ای از حدود ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار بیمه‌شده اصلی و نزدیک به ۵ میلیون مستمري بگير، بیش از دیگر نهادها در معرض این چالش قرار دارد. براساس قانون، این سازمان هر سال مستمري بازنشستگان را افزایش می‌دهد تا آثار تورم بر معیشت آنان جبران شود؛ با این حال، افزایش قیمت‌ها در طول سال، اثر این تصمیمات را بی‌اعتبار می‌سازد و مستمري بگيران تأمین اجتماعی عملاً با کاهش مداوم قدرت خرید روبه‌رو می‌شوند. داده‌های رسمی نشان می‌دهد این سازمان هر ماه حدود ۹۵ همت برای پرداخت مستمري هزینه می‌کند؛ رقمی سنگین که از محل وصول حق بیمه‌ها تأمین می‌شود. اما رشد تورم، ناتوانی دولت در مهار شاخص‌های اقتصادی و انباشت بدهی‌های دولتی به صندوق‌ها، ساختار مالی تأمین اجتماعی را در وضعیتی شکننده قرار داده است. علی‌حیدری، مشاور عالی مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در تحلیل این وضعیت یادآور می‌شود که دولت‌ها در ایفای نقش قانونی خود در تضمین معیشت شهروندان کوتاهی کرده‌اند و همین کم‌کاری موجب شده بار انتظارات عمومی بر دوش صندوق‌های بیمه‌ای بیفتد؛ صندوق‌هایی که خود به‌دلیل مداخلات مکرر و مطالبات پرداخت‌نشده دولت‌ها در معرض بحران قرار دارند. او تأکید می‌کند که در همه کشورهای توسعه‌یافته، دولت نقش «بیمه گر نهایی» را بر عهده دارد و موظف است حداقل معیشت را برای تمام اقشار جامعه- از شاغلان گرفته تا بازنشستگان، بیکاران و صاحبان درآمد ناقص- تضمین کند. در واقع، دولت‌ها

باید به‌عنوان پناهگاه پایانی، از فروغلتیدن این گروه‌ها در فقر جلوگیری کنند؛ وظیفه‌ای که بدون بازسازی ساختاری صندوق‌های بازنشستگی و مهار تورم، تحقق آن ممکن نخواهد بود.

سفره‌ای کوچک‌تر از دیروز

در سال‌هایی که تورم به مهم‌ترین تهدید معیشت خانوار بدل شده، بازنشستگان نخستین گروهی هستند که زیر بار این فشار خم می‌شوند. اگرچه صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای، از جمله سازمان تأمین اجتماعی، طبق قانون موظف به افزایش سالانه مستمري‌ها هستند، اما رشد افسارگسیخته قیمت‌ها، هرگونه اثر مثبت این افزایش‌ها را در همان ماه‌های ابتدایی سال از میان می‌برد. در چنین وضعی، حقوق بازنشستگان عملاً توان رقابت با قیمت‌های لحظه‌ای کالا و خدمات را از دست می‌دهد و سفره آنان، هر سال بیش از پیش، از ضرورت‌های معیشتی تهی می‌شود.

کارشناسان بیمه‌های اجتماعی این وضعیت را بحرانی چندوجهی می‌دانند که ریشه در سه عامل دارد: تورم بالا، ساختار ناکارآمد صندوق‌های بازنشستگی و فقدان نظام چندلایه تأمین اجتماعی. به اعتقاد آنان، بدون اصلاح بنیادین این سه ضلع، هیچ سیاست کوتاه‌مدتی قادر به جبران شکاف میان درآمد و هزینه بازنشستگان نخواهد بود. یکی از پیشنهاد‌های محوری، افزایش مستمري متناسب با تورم واقعی است تا دست کم حداقل‌های معیشت از گزند گرانی در امان بماند. در کنار آن، پرداخت بدهی‌های انباشته دولت به تأمین اجتماعی، اصلاحات ساختاری در صندوق‌ها و تقویت پایه درآمدی بیمه‌های اجتماعی، دیگر گام‌های ضروری در مسیر ترمیم قدرت خرید بازنشستگان است.

علی‌حیدری، کارشناس حوزه تأمین اجتماعی، با تأکید بر لزوم استقرار نظام چندلایه، آن را ضامن پایداری عدالت اجتماعی می‌داند. به گفته او، اجرای بند «الف» ماده ۳۱ قانون برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های کلی

بازنشستگان و چالش صندوق‌ها

کامل آن می‌تواند چارچوب حمایتی واقعی برای جامعه بازنشستگی ایجاد کند. یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی سخاوتمندی صندوق‌ها، نرخ جایگزینی است. این شاخص نسبت اولین حقوق بازنشستگی به آخرین دریافتی زمان اشتغال را اندازه‌گیری می‌کند. با متناسب‌سازی اخیر، نرخ جایگزینی در سازمان تأمین اجتماعی به ۱۰۰ تا ۱۱۰ درصد رسیده است، در حالی که میانگین جهانی تنها ۵۰ تا ۶۰ درصد است. با وجود این سطح بالای جایگزینی، تورم مداوم و فشار اقتصادی موجب کاهش قدرت خرید بازنشستگان شده و نشان می‌دهد حتی صندوق‌های قوی بدون حمایت دولت نمی‌توانند آثار تورم را جبران کنند. کارشناسان در پایان تأکید می‌کنند که تأمین عدالت معیشتی بازنشستگان مستلزم ترکیبی از اصلاحات ساختاری، اجرای کامل نظام چندلایه تأمین اجتماعی و همراهی دولت است؛ مجموعه اقداماتی که می‌تواند صندوق‌های بیمه‌ای را به پایگاهی پایدار و مطمئن برای حمایت از جامعه بازنشستگی تبدیل کند.

تأمین اجتماعی که بر این نظام تأکید دارد، می‌تواند کف حمایتی جامعی برای اقشار ضعیف ایجاد کند. این نظام با تکیه بر اصول فراگیری، جامعیت و پایداری مالی، خدمات را در لایه‌های متناسب با نیاز مردم و توان مالی دولت سامان می‌دهد و بدین‌سان، از بازتولید فقر در میان سالمندان پیشگیری می‌کند. در سوی دیگر، تأخیر دولت در پرداخت سهم حق بیمه قانونی خود به تأمین اجتماعی، بار مضاعفی بر دوش این سازمان گذاشته است. اگر این مطالبات به‌موقع تسویه شود، تأمین اجتماعی می‌تواند تعهدات خود را به‌صورت پایدارتر ایفا کند و بازنشستگان نیز با دریافتی واقعی‌تر، تاب‌آوری بیشتری در برابر تورم داشته باشند. قانون اساسی و سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، دولت را مکلف کرده‌اند که از اقشار کم‌درآمد، به‌ویژه بازنشستگان، حمایت مؤثر به عمل آورد. در این بین جزئی از بند پنجم همین سیاست‌ها صراحتاً بر حفظ قدرت خرید مزدبگیران و مستمري بگيران تأکید دارد.

حیدری با اشاره به این اصل می‌گوید: در حالی که برخی بخش‌ها از تورم سود می‌برند، بازنشستگان که دیگر توان کار مجدد ندارند، قربانیان اصلی تورم هستند؛ به‌ویژه آنکه هزینه‌های درمانی و مراقبتی آنان بیش از هر زمان دیگر افزایش یافته است. به‌باور او، دولت باید در کوتاه‌مدت با تقویت صندوق‌های بازنشستگی، اجرای ترمیم مستمري در میانه سال، افزایش کمک‌های غیرنقدی، اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت، پوشش بیمه درمانی مازاد و بازنگری در دهک‌بندی یارانه‌ها، گام‌های فوری برای ترمیم معیشت بازنشستگان بردارد. تنها با چنین اقداماتی است که می‌توان امید داشت شأن و کرامت این قشر، در برابر تندباد تورم حفظ شود.

توان خرید بازنشستگان در چالش واقعی

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در نشست دوم مهرماه با تشکل‌های بازنشستگی و کارگری کرمانشاه، ضمن اشاره به محدودیت منابع و دشواری‌های اقتصادی، از افزایش حقوق و پرداخت‌های جانبی مستمري بگيران خبر داد. مصطفی سالاری تأکید کرد که این افزایش‌ها با هدف پیشی گرفتن از نرخ تورم اجرا شده‌اند، اما با وجود تلاش‌های سازمان، شدت فشار اقتصادی موجب شده بخش عمده‌ای از اثرات مثبت آن خنثی شود. وی هشدار داد که حل معضل معیشتی بازنشستگان بدون کنترل اقتصاد کلان و حمایت ملی از صندوق‌های بازنشستگی امکان‌پذیر نیست. علی‌حیدری، کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، در این باره توضیح داد که کاهش قدرت خرید مستمري‌ها ناشی از فرسایش ارزش پول و تأثیرات اقتصادی سیاست‌های گذشته دولت‌هاست. او افزود که صندوق‌های بیمه‌ای حتی با منابع قابل توجه، قادر به جبران کامل این فشار نیستند و تنها حمایت‌های دولت می‌تواند ثنبت واقعی معیشت را تضمین کند.

به گفته او، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت شامل ترمیم مستمري‌ها در طول سال، ارائه کمک‌های معیشتی هدفمند، تسهیلات ارزان‌قیمت و پوشش بیمه درمانی تکمیلی، می‌تواند بخشی از آثار منفی را کاهش دهد. مشاور عالی مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی تصریح کرد که حقوق بازنشستگان به رغم افزایش‌های چند سال اخیر، در مقابل گرانی کالا و خدمات، بخش‌بزرگی از ارزش واقعی خود را از دست داده است. کاهش ارزش پول ملی و افزایش نزدیک به پنجاه درصدی قیمت‌ها طی شش ماه اخیر، بخش زیادی از متناسب‌سازی‌های صورت گرفته را خنثی کرده و نشان می‌دهد که صندوق‌ها بدون همراهی دولت، توان جبران

فشار اقتصادی را ندارند. علی‌حیدری تأکید کرد که بسیاری از بازنشستگان با وجود اینکه مستمري‌شان نسبت به زمان اشتغال بالاتر است، هنوز در برابر هزینه‌های روزمره شکننده‌اند. او افزود که دولت به‌عنوان بیمه‌گر نهایی موظف است برای جبران آثار اقتصادی و حفظ کرامت بازنشستگان، راهکارهای عملیاتی و حمایتی ارائه کند. این اقدامات شامل تقویت صندوق‌های بازنشستگی، ترمیم میان سالانه مستمري‌ها، افزایش یارانه‌ها و ارائه اعتبار خرید با تضمین دولت است.

تأمین



محسن ریاضی

مدیرکل تأمین اجتماعی غرب تهران

تمرکز طرح‌های تحولی بر حوزه بیمه‌ای

طرح‌های تحولی بیست‌گانه تأمین اجتماعی را می‌توان گامی سرنوشت‌ساز در مسیر نوسازی بزرگ‌ترین نهاد بیمه‌ای کشور دانست. این طرح‌ها با هدف تحول در سه محور اصلی بیمه‌ای، درمانی و اقتصادی طراحی شده‌اند و هر یک از آنها در هماهنگی کامل با اهداف کلان و چشم‌انداز توسعه پایدار این سازمان قرار دارد. از میان بیست طرح تحولی، هشت طرح مستقیماً به حوزه بیمه‌ای مربوط می‌شوند و قرار است موتور محرک تحول در شعب، ادارات کل و فرایندهای ارائه خدمات بیمه‌ای باشند. اجرای این طرح‌ها، چهره سازمان را در عرصه خدمات به بیمه‌شدگان و کارفرمایان دگرگون خواهد کرد و می‌تواند گام مهمی در جهت تحقق عدالت بیمه‌ای و کارآمدسازی ساختارها باشد. در این میان، طرح‌هایی همچون بیمه متمرکز و یکپارچه‌سازی شعب، سازماندهی بیمه‌ای کسب‌وکارهای نوین، تحول دیجیتال، مدیریت تعهدات بیمه‌ای، ارتقای مدیریت وصول منابع، ساماندهی مشاغل سخت و زیان‌آور و هوشمندسازی بازرسی دفاتر قانونی، مستقیماً در مسیر بازآفرینی خدمات بیمه‌ای حرکت می‌کنند. سایر طرح‌ها نیز هرچند غیرمستقیم، اما تأثیرگذارند و از مسیر بهبود ساختارهای مالی، درمانی، سرمایه‌گذاری و منابع انسانی، ظرفیت‌های بیمه‌ای سازمان را تقویت خواهند کرد. این مجموعه تحولات در پاسخ به دغدغه‌های دیرینه جامعه کارگری، کارفرمایی و بازنشستگان طراحی شده و در صورت اجرای کامل، ارتقای محسوس در کیفیت خدمات به ذینفعان شرکای اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

برای تحقق اهداف طرح‌های تحولی، مجموعه‌ای از زیرپروژه‌ها نیز در حال اجراست، پروژه‌هایی که هر یک با رویکردی مشخص، به رفع موانع اجرایی، ساده‌سازی فرایندها و تسهیل ارتباط میان سازمان و مخاطبان خود می‌پردازند. برخی از این طرح‌ها به‌یادبود حوزه بیمه‌ای، بر بهبود تجربه کارفرمایان و بیمه‌شدگان تمرکز دارند؛ از جمله اصلاح فرایند صدور مفاسدحساب‌های مقاطعه‌کاران به صورت غیرحضور و برخط، تعیین ضریب مقطوع بیمان، اجرای فرایند خوداظهاری کارفرمایان، اولویت‌بندی وارجاع هوشمند بازرسی دفاتر و تدوین آیین دادرسی بیمه‌ای. این اقدامات، ضمن کاستن از بوروکراسی، شفافیت و انضباط مالی را تقویت می‌کند و مسیر تعامل الکترونیکی و هوشمند میان سازمان و ذی‌نفعان را هموار می‌سازد.

افزون بر این، طرح‌هایی چون پیاده‌سازی سازوکار دیجیتال برای شناسایی مطالبات از دولت، ساماندهی تقسیم بدهی‌ها، کنترل فرار بیمه‌ای و واقعی‌سازی دستمزدها، کاهش فاصله زمانی بین شناسایی و وصول حق بیمه، و پوشش بیمه‌ای متناسب با کسب‌وکارهای نوین و مشاغل پلتفرمی، بخشی از برنامه‌های توسعه‌محور سازمان در دوره جدید به شمار می‌آیند. هدف همه این اقدامات، استقرار نظامی هوشمند، کارآمد و پاسخگوست که بتواند تعادل پایدار میان منابع و مصارف را برقرار کرده و پوشش عادلانه خدمات بیمه‌ای برای تمام اقشار مشمول قانون تأمین اجتماعی را تضمین کند.

بازنشستگان با کاهش مداوم قدرت خرید مواجه‌اند و حتی افزایش سالانه مستمري‌ها نتوانسته فشار تورم، هزینه‌های درمانی و رشد لحظه‌ای قیمت‌ها را جبران کند

